

ترجمه احمدراد	حافظه بصری خود را پرورش دهید	نوشته : بروس بلیوین
------------------	---------------------------------	---------------------------

آیا هرگز به کسانی برخوردید که دارای چنان استعداد شگفت انگیزی باشند که هر وقت بخواهند بتوانند در ذهن خود تصویر مشخصی از حوادث گذشته را در نظر آورند؟ سعی کنید شما هم چنین استعدادی را به دست آورید، افکار تان رنگ و روی تازه‌ای پیدا خواهد کرد.

يك كيلوپر سنگین تر است یا يك كيلو سرب؟ همه کس پاسخ این پرسش را می‌داند: يك كيلو همیشه يك كيلوست. ولی نکته قابل توجه این است که دانسته شود با خواندن این چند کلمه ناگهان در ذهن شما چه نوع تصویری نقش می‌بندد.

بعضی اشخاص همین که به این سؤال برخوردند، به طور مشخص، ترازویی در ذهن خود می‌بینند که در يك کفه آن مکعبی سربی قرار دارد و در کفه دیگر توده‌یی از پر. بعضی دیگر هیچگونه تصویری در ذهنشان مرتسم نمی‌شود، و موضوع را جز به تبع کلمات درك نمی‌کنند.

استعداد «ساختن تابلوهایی در مغز» نزد افراد مختلف بسیار متفاوت است. چندین سال پیش سرفرانسیس گالتون، دانشمند انگلیسی از دوستان خود درخواست کرد وضع میزی که همان روز به‌دور آن چاشت صرف کرده‌اند ترسیم و تشریح کنند

بعضی به تفصیل و با تمام جزئیات ، میز صبحانه را به خاطر آورده بی کم و زیاد شکل و رنگ همه چیز را توضیح داده بودند ، عده دیگری کم و بیش از آنچه دیده بودند به خاطر داشتند ، گروه سوم وضع نامشخص و مبهمی مانند تصویری که از دستکاه عکاسی بد تنظیم شده‌ای گرفته شده باشد ، در خاطرشان مانده بود ، عده بسیاری هم هر چه دیده بودند فراموش کرده بودند و همه دیده‌ها از نظرشان غایب مانده بود .

به گفته دانشمندان استعداد ظاهر ساختن تصویرهای مشخص از معلوماتی که در گذشته کسب شده یکی از مواهب فطری و عمومی است . اگر عده بسیاری پس از گذشت چند سال این استعداد را از دست میدهند فقط برای این است که آن را به کار نمی‌برند و به قدر کافی تمرین نمیکنند . در صورتی که به کار گذاشتن آن ممکن است پرارزش و سودمند باشد ، شاهد بر این مهارت‌یست که ویلایروین ، وقتی که خبرنگار روزنامه «سون نیویورک» بود ، از خود نشان داد .

داستان مربوط به سال ۱۹۰۶ است که در آن سال آتشسوزی هولناکی سانفرانسیسکو را ویران ساخت . ایروین که مدتی در آن شهر بزرگ کالیفرنیا زندگی کرده بود ، آنجا را خوب می‌شناخت . خبرنگار مزبور همانجا که در دفتر کار خود در نیویورک نشسته بود ، جزئیات اخبار وارقاهی که از شهر آسیب دیده مربوط به آتشسوزی میرسید جمع آوری میکرد و در مدت هشت روز گزارش کامل قابل توجه زنده‌ای از وضع غم‌انگیزی که در فاصله ۵۰۰۰ کیلومتری نیویورک رخ داده بود تهیه کرد . در این مدت هشت روز به هیچ کتاب و نقشه‌ای مراجعه نکرده بود ، فقط به کمک تصویرهایی که مغز او توانسته بود به یاد آورد ، برای خوانندگان خود تابلوهایی که به صورتی شگرف همه اشخاص و جاها را نشان میداد ترسیم کرده بود .

به عقیده یکی از روزنامه‌های رقیب ، (کاراو یک نمونه نوسازی تخیلی استثنایی از گزارش عظیمی است که متکی بر مشاهدات شخصی و ارتباط با دیگران به عالی ترین صورت خود آفریده شده بود) .

همه‌ها تا درجه‌ای بالقوه دارای این استعداد هستیم که در حال کمون است ، شاهد بر آن کیفیتی است که در حال خواب هیپنوتیسی از اشخاص بروز میکند و در آن حال میتوانند تصویرات ذهنی خود را با نهایت دقت و به تفصیل شرح دهند . اخیراً در سانفرانسیسکو یک نفر در منازعه با دیگری کشته شد ، قاتل توانسته بود فرار کند ، گزارش شاهدان واقعه مبهم و متناقض بود . عاقبت برای این که جریان حادثه به صورت روشن و مشخص معلوم شود ، چند نفر از شاهدان داوطلب شدند که به خواب هیپنوتیسی روند ، از این راه اطلاعات پر ارزش مفصلی در اختیار پلیس قرار داده شد . صورتسازي بصری در کودکان از اشخاص بالغ معمولاً بسیار گسترده تر است (به همین جهت است که بیشتر آنان نمایشگر و مقلدند) اما با افزایش سن این استعداد ضعیف میشود . بعضی از اطفال تا درجه‌ای بسیار عالی از این مواهب برخوردارند ، از آن جمله پسر بچه‌ای را میتوان نام برد که موقعی نهنکی را که دهانش را کاملاً باز کرده بود به او نشان داده بودند یک سال بعد از او سؤال شد که آن حیوان چند دندان داشت ، پسرک با یاد آوردن تصویر آن حیوان در ذهن خود شماره صحیح دندانهای او را گفت .

برخی از سالمندان نیز در این قسمت دارای موهبتی استثنائی هستند ، از آن جمله قهرمانان بازی شطرنج هستند که میتوانند در ۱۵ تا ۲۰ دست بازی همزمان شرکت کنند ، بدون اینکه صفحه شطرنج را ببینند ، در این مورد ظهور تصویرهای هندسی به حد اعلاي خود میرسد . بازی کن در مغز خود همه مهره‌ها را ، در هر صفحه شطرنج درست در همانجا که در آخرین بازی قرار داشته‌اند می‌بیند .

در ریاضی دانان بزرگ این گونه استعداد عموماً بسیار نیرومند است ، اجزاء اصلی مسائل پیچیده و مفصل در نظر ایشان بر روی یک قسم تخته سیاه ذهنی نمایان می‌شود .

جونون تومان ، مانند همه ریاضی دانان نابغه ، آخرین نتیجه محاسبات علمی را ، در ذهن خود نوشته میدید و برای او جز اینکه آنرا « بلند بخواند » کاری باقی نمی‌ماند .

شارل اوانس هوقس که رئیس دیوان عالی کشورهای متحده امریکاشد، دارای استعداد قابل توجهی بود. در آن موقع که وزیر امور خارجه بود، در دفترش بودم که صورت نطقی را به خانم تندنویس املا میکرد. دو ساعت بعد همان نطق را بدون هیچ یادداشتی ایراد کرد. من يك نسخه از متن آن نطق را مقابل خود داشتم میدیدم که کلمه به کلمه همان را در مدت نیم ساعت تکرار کرد.

باید توجه داشت که استعداد نمودار ساختن سریع خاطرات بصری ظاهراً رابطه‌ای با کم و زیاد می‌زان هوش ندارد. برای اینکه از میزان این استعداد خود آگاه شوید، يك سطر که با حروف چاپ نوشته شده باشد (بهرتر است که حروف به قدر کافی درشت باشند) و يك قطعه کاغذ تهیه کنید. دوثلث اخیر سطر را با کاغذ بپوشانید و ببینید آیا میتوانید باز هم کلمات را بخوانید. در صورتیکه جواب مثبت است استعداد نمایان ساختن خاطرات بصری شما به اندازه کافی خوب است.

غالب افراد به درستی از این استعداد خود استفاده نمی‌کنند. آیا شما از کسانی هستید که نام و قیافه اشخاص را فراموش میکنید؟ عده این گروه بسیارند. نخستین شخص نا آشنا را که در جایی می‌بینید به دقت نگاه کنید و در باطن خود مصمم شوید که به محض بیرون رفتن از آن محل خطوط چهره او را به طور مشخص و صریح در ذهن خویش نمودار سازید.

با کمی دقت و تمرین کم کم موفق خواهید شد که قیافه اشخاص را به خاطر بسپارید، بعید است که اگر واقعاً مصمم باشید در این قسمت پیشرفت حاصل نکنید. دفعه بعد وقتی میخواهید عمل حساب آسانی را انجام دهید، ارقام را بر روی تخته سیاه ذهنی تصویر کنید و سعی کنید بدون استعمال کاغذ و مداد جواب را به دست آورید.

برای اینکه هنر ثبت اشیاء دیده شده را به جوانان بیاموزند، بدون اطلاع آنان اشیاء مختلفی را بر روی صفحه‌ای می‌گسترند و به آنان اجازه میدهند فقط چند ثانیه به آنها نظر بیندازند، بعد روی آنها را می‌پوشانند و از آنان میخواهند که آن اشیاء

را زبانی یا کتبی نام ببرند. البته در دفعه‌های اول عده کمی را بخاطر خواهند آورد ولی پس از چندماه تمرین خواهند توانست صورت کاملی از اشیاء عرضه شده تهیه کنند.

حکایتی از جرج مارشال امریکائی (واضع طرح مارشال) معروف است که او گفته وقتی من میخواهم يك صفحه ارقام چاپی یا میدان جنگی را به یاد بیاورم، آن صفحه و میدان را حقیقتاً در ذهن خود می بینم. هنگام جنگ بین المللی دوم، در مصاحبه‌ای که ۶۰ خبرنگار جنگی حاضر بودند، سرتیپ مارشال از آنان پرسید چه مسائلی را میخواهند مطرح کنند. پس از آنکه همه ۶۰ نفر سؤالات خود را بیان کردند او تقریباً ۳۰ ثانیه به نقطه مبهمی متوجه شد، سپس به سخن گفتن آغاز کرد و در مدت ۴۰ دقیقه اوضاع را به تفصیل تشریح کرد، و در ضمن به سؤال هر يك از ۶۰ نفر جواب کامل داد. خبرنگاران از هوش سرشار کنفرانس دهنده در شگفت ماندند. چیزی که بیشتر مایه تعجب ایشان بود، این بود که هر قسمت از سخنرانی که مربوط به سؤال یکی از خبرنگاران میشد، در آن موقع مارشال مستقیماً به چشمان آن خبرنگار نگاه می کرد.

البته کمتر کسیست که میتواند تا این درجه استعداد بروز دهد، اما برای همه ممکن است که لااقل استعداد خود را تا آن اندازه پرورش دهند که بتوانند تصویرهای خاطرات گذشترا از نو در ذهن پدیدار سازند، بتوانند مسافرت‌هایی که به نقاط دیدنی کرده‌اند در ذهن مجسم کنند، از یادآوری صحنه‌هایی که مایه تهییج و تحسین آنان بوده لذت ببرند، مجالس بزم و نمایش‌های هنری که برای ایشان جالب بوده به خاطر بیاورند. با تمرینات عملی بکوشید استعداد بصری که در زمان تولد داشته‌اید از نو به دست آورید. هر آن چه که دست آفرینش به ما عطا کرده لابد به اقتضای حکمتی بوده و دلیلی داشته. ناسپاسیست که از راه نادانی و غفلت بعضی از آنرا مهمل گذاریم و مورد استفاده قرار ندهیم.